



<http://doi.org/10.22133/ISIA.2022.321812.1010>

## واکاوی نشانه‌های حکمت هنر اسلامی در معماری بومی همدان

### مورد مطالعه: آرامگاه ابن سینا و گنبد علویان

سمیرا افراز\*<sup>۱</sup>، مسعود اسدیگی<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ مدرس هنر و کارشناس مسئول پژوهش، دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	از عناصر اصلی و باارزشی که نقش اساسی و بنیادی در انتقال فرهنگ بومی ایفا می‌کند، بی‌شک معماری هر منطقه را می‌توان نام برد که در جهان مدرن امروزی، با ظهور فناوری و پیشرفت آن، بسیاری از این ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی ایرانی-اسلامی در معماری بومی ایران به فراموشی سپرده شده است. هدف از این پژوهش بررسی نشانه‌ها و آثار حکمت هنر اسلامی در معماری بومی ایران در دو بنای ماندگار شهر همدان- گنبد علویان و آرامگاه ابن سینا- است. در راستای دستیابی به این هدف، در این نوشتار به شیوه توصیفی-تحلیلی به نشانه‌های حکمت هنر اسلامی و تجلی آن در معماری بومی این دو بنا پرداخته شده است. این تجلی را در عناصری چون، فرم، بافت، رنگ، مصالح و نقوش تزئینی می‌توان جست‌وجو کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود نشانه‌های یادشده در هر دو بنا است؛ اما گنبد علویان، به علت داشتن ویژگی‌های فرعی، نحوه پیدایش و تکامل بنا، این ارتباط را بهتر نشان می‌دهد. در نهایت، شایان توجه است که راز اصالت و ارزش معماری سنتی ایران توجه به معماری بومی و فرهنگ و هنر اسلامی بوده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۱	
واژگان کلیدی: حکمت هنر اسلامی معماری ایرانی معماری بومی گنبد علویان آرامگاه ابن سینا *نویسنده مسئول	
رایانامه: <a href="mailto:samiraafraz20@gmail.com">samiraafraz20@gmail.com</a>	

نحوه استناددهی:

افراز، سمیرا و اسدیگی، مسعود (۱۴۰۱). واکاوی نشانه‌های حکمت هنر اسلامی در معماری بومی همدان؛ مورد مطالعه: آرامگاه ابن سینا و گنبد علویان. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۱(۱)، ۷۷-۸۷.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

## مقدمه

در جهان امروز و با ظهور مدرنیته و پیشرفت فناوری، بسیاری از ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی ایرانی - اسلامی در معماری بومی ایران به حاشیه رفته و فراموش شده است؛ این درحالی است که هر اندیشه معماری باید در ادامه اندیشه‌ها، اهداف و الگوهای گذشته باشد (قهرمانی، ۱۳۹۶). از طرفی معماری، یکی از کهن‌ترین هنرهای بشری، از اولین هنرهایی است که با مفاهیم اسلامی سازگار شده است و منبعی کامل از آموزه‌ها و الگوهای بارزش برای زندگی امروزه مردم این سرزمین و معماری معاصر ایران به‌شمار می‌آید. معماری بومی هر نقطه‌ای از این سرزمین از یک‌سو از فرهنگ غنی گذشته نشئت گرفته است و از طرفی با آموزه‌های اسلامی و دینی ایرانیان تکامل یافته است. پیام هنر اسلامی زنده نگه‌داشتن ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی و هدفمندساختن زندگی او که همانا شناخت هستی و وجود خود و در مرتبه‌های بالاتر شناخت خدا و ارتباط با اوست و در این راستا تمام کثرت‌ها در حوزه نظمی بدیع به وحدت تبدیل شده که این همان حکمت هنر اسلامی است (قهرمانی، ۱۳۹۶).

ساخت بناهای آرامگاهی در معماری دوران اسلامی، به‌منزله جلوه‌ای از باورها و آیین‌های مربوط به پاس‌داشت مردگان، توأم با ساخت سایر بناهای مذهبی دیگر از جمله مساجد آغاز شد و تقریباً به موازات آن پیش رفت. شیوه‌های گوناگون ساخت این مقابر از نظر ساختاری تحت تأثیر عوامل فرهنگی و مادی، مسیری همگام با آیین‌ها و باورهای جامعه پیموده است.

گنبد علویان یکی از شاهکارهای معماری و گچ‌بری پس از اسلام در همدان و به قولی مهم‌ترین اثر باستانی دوره اسلامی در شهر همدان است. این بنا نشانگر معماری محاسبه‌گرایانه و پیشرفته‌ای است که با تلفیق و ترکیب دو شیوه تزئینی مجزا (آجرکاری و گچ‌بری) سبک و شیوه‌های منسجم را به نمایش گذاشته است. در این بنا، تزئینات بدیع و متنوع آجری در نمای بیرونی و تزئینات پرکار و چندلایه گچی در داخل خودنمایی می‌کنند که در کمتر بنایی می‌توان نظیری برای آن یافت. درخصوص آرامگاه بوعلی می‌توان گفت که جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ با استفاده از فرم‌های معماری آرامگاهی و نوآوری آن، با توجه به فرهنگ زمانه و تأثیر مدرنیسم در معماری، تحقق یافته است و جنبه محتوایی آن با استفاده از رموز و استعارات به‌کاررفته در بنا تحقق و تجلی یافته است.

## پرسش پژوهش

هدف از پژوهش پاسخ به این پرسش است که نشانه‌های هنر اسلامی در معماری بومی همدان - گنبد علویان و آرامگاه ابن سینا - کدام است؟ اگر بپذیریم معماری و شهرسازی سنتی پدیده‌ای است با ریشه‌هایی در پهنه تجربه‌ها و سلیقه‌ها و دانش آدمیان، که فقط در ژرفای اندیشه‌های دور و نزدیک انسان قابل شناخت است، یا معماری سنتی دیروز فقط برای دیروز ساخته نشده است بلکه زاده لحظه‌ای از تاریخ انسان‌ها است که سر در گذشته و دست در آینده دارد، این پرسش مطرح می‌شود که از آنچه برجای مانده است چه چیزهایی می‌تواند به امروز تعلق داشته باشد و چه چیزهای برای فردا ماندگار خواهد بود.

## درآمدی بر مفهوم حکمت هنر اسلامی

هنر اسلامی مبتنی بر معرفتی است که خود سرشت روحانی دارد؛ معرفتی که استادان سنتی هنر اسلامی آن را «حکمت» نام نهاده‌اند. چون در سنت اسلامی، با صبغه عرفانی روحانیت آن، خردمندی و روحانیت از هم جدایی ناپذیرند و وجوه یک حقیقت به‌شمار می‌آیند؛ حکمتی که هنر اسلامی بر آن استوار است چیزی جز جنبه خردمندانه خود روحانیت نیست (نصر، ۱۳۸۶). سید حسین نصر در روند تعریف هنر اسلامی به تعریف حکمت می‌رسد. او بین طبیعت به‌منزله محصول الهی و هنر اسلامی به‌منزله محصول انسانی تناظری قائل است که ناشی از سرشت و طبیعت هنر اسلامی است. این سرشت «ذکر الهی است». از نظر وی، طبیعت محمل ذکر خداوندگار و هنر اسلامی نیز محمل ذکر «احد» است. او در روند این تعریف، حکمت را تنها دانشی می‌داند که یارای شناخت هنر اسلامی را دارد؛ چرا که حکمت واجد الهام فراقردی است که نهایتاً

به «او» باز می‌گردد و در این باره می‌گوید: «اگر طبیعت يك محمل یاد خدا یا ذکر است، از آن روست که خالق آن صانع الهی بوده است، چنان‌که یکی از اسماء خدا صانع است. صانع به معنای سازنده یا صنعتگر است و اگر هنر اسلامی می‌تواند محمل ذکر "احد" قرار گیرد، به این دلیل است که اگرچه خالق آن انسان است اما از نوعی الهام فرافردي و حکمت ناشی می‌شود که به "او" باز می‌گردد.» (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۶-۱۸).

### درآمدی بر معماری اسلامی

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد، به گونه‌ای که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه‌ی زیبایی‌شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می‌یابد. ارتباط معماری با دین اسلام نشانه‌ی اعتقاد به توحید، ایمان و عمل به آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام است. اندیشه‌ی توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به عنوان موضوعی بکر به کار می‌رفت (شفیعی ناطق، ۱۳۹۱). هنر معماری اسلامی هنری است که بر پایه‌ی دین گام برمی‌دارد. میراث معماری اسلامی ثروتی تمدنی به‌شمار می‌رود که با توجه به شرایط عصر و تحولات تمدنی، ویژگی‌های خاص خود را بر اساس نگاه و دید معنوی و دینی خود حفظ کرده است. از آنجاکه هنر معماری نشانگر هویت فرهنگی و تمدنی به همراه ویژگی‌های ابداعی و زیبایی به‌شمار می‌رود، باید اصالت معماری اسلامی را در دین اسلام جست (شریعتی، ۱۳۹۲). معمار مسلمان می‌داند خداوند متعال صاحب جلال و اکرام است و درعین حال جمیل است و جمال را دوست دارد. همچنین اعتقاد دارد هدف از زندگی دنیوی رجعت به سوی خداوند و رسیدن به کمال است. پس اثر خود را بر سه پایه‌ی جمال، جلال و کمال استوار می‌سازد. آنچه در نقوش و تزیین بنای اسلامی جلوه‌گر است، جمال خوانده می‌شود و به آنچه به ابعاد و کشش سطوح و به ترکیب‌بندی (کمپوزیسیون) احجام توجه دارد جلال اطلاق می‌شود. اگر این شیوه از معماری در جهت محتوای معنوی و تلفیق با مبانی اسلامی و در قالب کبریایی باشد به آن کمال گویند (دهشیدی، ۱۳۸۹).

اصول معماری اسلامی در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱: اصول معماری اسلامی (دهشیدی، ۱۳۸۹)

اصول معماری و شهرسازی اسلامی	مؤلفه‌های تأثیرگذار
توحید	تقارن: وحدت در محوریت با مرکزیت تناسب: وحدت در ابعاد و اندازه‌ها توازن: وحدت در هارمونی‌ها تعادل: ایجاد وحدت در حجم‌ها و وزن‌ها توافق: وحدت در عمل و فکر و در انتخاب عملکرد معماری تطابق: ایجاد وحدت با طبیعت و ساختمان تشابه: همان وحدت در شکل است تجانس: وحدت در جنس و صفت است تساوی: در همه چیز
اخلاص	ساده و بی‌پیرایه و به دور از اسراف آب نشانه پاکي نور نشانه خلوص و پاکي همه اماکن اشاره به آسمان دارند: گنبدها، دور قوس‌ها و... مصالح انتخاب‌شده و فرم‌های انتخابی باید خود ایستا باشند رعایت تناسبات عدم استفاده از تصاویر جانوری خصوصاً انسانی
علم	مسلمانان در همه زمینه‌های علمی صاحب‌نظر بوده‌اند، چه در علم و فنون و فیزیک و شیمی و ریاضیات و چه در زمینه علوم و معرفت اسلامی
حیا یا حجاب	معماری اسلامی معماری قهرمانی است که حرکت دارد، منتها در درون سکوت و آرامشی در بیرون دارد، ولی درونش پر از غوغاست که در بیرون انعکاس ندارد
اقتصاد	در قرآن کریم آمده است خداوند مسرفین را دوست ندارد
عبادت و احترام	استفاده از نمادهای یک شهر اسلامی (مسجد و...) اماکن به دور از هر گونه ناپاکی سلسله‌مراتب حرکتی برای اماکن مذهبی تطابق محورهای اصلی بنا در جهت قبله
ذکر	در بناهای اسلامی سعی شده به‌طور مداوم ذکر خدا باشد یا به نحوی ذکر خدا را به مردم یادآوری کند

## درآمدی بر معماری ایران

معماری دستاورد مصالح ساختمانی و عملکردهای گوناگون و شرایط اجتماعی نیست. معماری در گذشت زمان دستخوش دگرگونی شده است. روحیه هر دوره تاریخی زندگی اجتماعی، مذهب، علم و هنر آن دوره را تسخیر می‌کند. معماری نوین هنگامی پدید نیامد که اسکلت فلزی و ساختمان‌های بتن‌آرمه به وجود آمدند، بلکه هنگامی پدید آمد که روحیه نوینی ظهور آن را ایجاب می‌کرد (آلپاگو نولولو و همکاران، ۱۳۸۴). اعتقاد ما بر این است که در معماری ایران چنان قدرتی از تجلی معنویات دیده می‌شود که جز حاکی از بیشترین پیوند با فرهنگ زنده مردمان این سرزمین نتواند بود (آلپاگو نولولو و همکاران، ۱۳۸۴).

درون‌نگری فرهنگ معماری ایران در واقع توجه به ویژگی‌ها و نیروهایی است که در پس شکل هر عنصری نهفته است؛ آن انرژی که می‌تواند هر چیزی را به چیز دیگری بدل سازد. توان‌های بالقوه نهفته در پس شکل‌ها است که در ارتباطی پیوسته با انسان، پویایی واقعی معماری و فضایی ساخته‌شده را به همراه دارد. از این رو، آنچه را معماری امروز در پی شناخت آن به‌عنوان ضرورت برآمده معرفتی است که فرهنگ معماری ایران با تمامی ابعادش در اختیار ما قرار داده است. ویژگی پیام‌دهی نشانه‌ها و نمادها، در شهر و روستا، به‌منزله عاملی ارتباطی، پیوسته دارای آن‌چنان توانی است که شخصیت و هویت مکان را معرفی می‌کند. برای مثال، وجود بازارها، بناهای مذهبی و یادگارها و نقش فرهنگی آن‌ها، در شهر و روستا، زمینه ارتباط پیوسته مردم را با محیط فراهم می‌آورد؛ چرا که دیدگاه این نمادها بر راستای هر کوچه نمایانگر اهمیت این مفهوم در بطن جامعه است (آلپاگو نولولو و همکاران، ۱۳۸۴).

## درآمدی بر معماری بومی

معماری بومی نخستین بار در سال ۱۸۳۹ در انگلستان به کار رفت. معماری «خودجوش»، ابداع جوزپه پگانو، اولین نام برای این پدیده معماری بود. او در تحلیلی از این واژه چنین می‌نویسد: منظور از خودجوش تصادفی بودن آن نیست، بلکه طبیعی بودن آن است و هرگونه گزینش در نهایت سخت‌گیری به عمل می‌آید؛ این برخاسته از ضرورت‌های معین است. ضرورت‌هایی که فقط حامل جنبه‌های مادی و عملکردی نیستند (آلپاگو نولولو، ۱۳۸۴). معماری بومی با استفاده از پتانسیل‌ها و دانش تولیدشده در محل به‌وجود آمده است و به فرهنگ و خرد اجتماعی می‌پیوندد. این که آیا این طیف از معماری برای امروز و فردای معماری پاسخی مطلوب خواهد داشت یا باید در دفتر تاریخ معماری جای خود را بیابد و سکوت کند را شاید بتوان این‌گونه پاسخ گفت که این امر رابطه تنگاتنگی با بوم و نحوه برخورد با آن دارد (عرفانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

معماری از هنرهای کهن بشری است که شاید بیش از هر هنر دیگری خود را با عناصر بومی و منطقه‌ای هماهنگ ساخته است. از این رو در هر گوشه از این کره خاکی که پا می‌نهیم با بناهایی روبه‌رو می‌شویم که هر یک متناسب با اقلیم آن منطقه ساخته شده است. نکته جالب توجه آن است که آنچه معماری هر منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد فقط شرایط قلمی نیست، بلکه آداب و رسوم و باورها و اعتقادات خاص هر منطقه نیز بر معماری آن تأثیر بسیار دارد؛ از طرفی، چه به لحاظ کالبد فیزیکی و چه از نظر روابط اجتماعی حاکم در فضا، پاسخ‌گویی لازم را برای جذب افراد به درون خود دارد و برای استفاده‌کنندگان نیز احساس مطلوبی در پی دارد (باحقیقت منگودهی و همکاران، ۱۳۹۴). گاه برخی از پدیده‌ها و شکل‌ها و تناسب‌ها، به‌منزله یک نماد، ریشه در فرهنگ منطقه دارند؛ به‌طوری که معیارهای ارزشی نوینی را پایه‌ریزی کرده و منحصر به جامعه و فرهنگ خودی است؛ و چه بسا برای جامعه‌ای دیگر مفهومی متفاوت و جایگاهی دیگر داشته باشد. بر همین قیاس است، مفهوم آب (برای یک کویرنشین)، مفهوم نقشی اسطوره‌ای بر دیوار، مفهوم گنبد، مفهوم رنگ و مفهوم سایه (آلپاگو نولولو و همکاران، ۱۳۸۴).

این ویژگی‌ها سبب می‌شود که بوم به‌خوبی با تغییر و تحولات مواجه شود. آداب و رسوم، موسیقی و نقاشی، شعر و ادبیات، هر یک نقشی حساس در معماری بومی به عهده دارند و هنر که تجلی‌گاه احساسات و عواطف انسانی است، با آزادگی و رهایی کامل از قیدوبندهای کاذب،

در مسیر زندگی، به راهی که مقارن با وابستگی و الهام از زندگی انسان‌ها است ادامه می‌دهد و از آنجا که پدیده‌ای م‌قومی و جهانی است، در زمینه فلسفی و اجتماعی قابل شناخت و بررسی است (آلپاگو نولو و همکاران، ۱۳۸۴).

### معماری بومی همدان

شهر همدان، به علت موقعیت طبیعی، از لحاظ نخستین جمعیت‌های شکل گرفته پیشینه‌ای کهن دارد. دشت وسیع و خاک حاصلخیز، کوهستان اطراف شهر و همچنین رودهایی که آب منطقه را به نحو مطلوبی تأمین می‌کنند، بستر زندگی و جمع‌گزینی را در این کهن‌شهر فراهم آورده است (Nahchiri, 1992). بر اساس روایت‌ها و آثار به‌دست‌آمده، این منطقه پتانسیلی قوی در ایجاد یک مرکز زیستی قدرتمند دارد. هندسه شکل‌گیری این شهر، با توجه به ادواری که بر آن گذشته است، کاملاً بر عوامل طبیعی، موضوعات مذهبی، جنگی، سیاسی و حتی عوامل و اتفاقات خاصی چون رواج بیماری‌های مهلك و دیگر موضوعات دخیل وابسته است (ابراهیمی، ۱۳۸۲).

### تجلی مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی در معماری بومی همدان

همان‌طور که بیان شد، هنر و معماری ایرانی متجلی فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب، اقلیم، سنت و دیگر عوامل است. هنرمند مسلمان ایرانی در تلاش است تا با بهره‌گیری از مؤلفه‌های اسلامی هنر خویش را به کمال مطلوب برساند، که خوشبختانه معماری و شهرسازی همدان متأثر از جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ معماری بومی است. از نمودهای معماری اسلامی - ایرانی شهر همدان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - آرامگاه‌ها (مذهبی یا غیرمذهبی) همچون آرامگاه بوعلی سینا، آرامگاه باباطاهر، امامزاده عبدالله، مسجد جامع همدان از جمله نمادهای اسلامی هستند که در شهر همدان قرار دارند.

- استفاده از فرم شمسه در طراحی مراکز مذهبی و تاریخی شهر نشان از فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی مردم دارد.  
- درون‌گرا بودن بناها که هم از جنبه معماری بومی و شرایط اقلیمی است و هم از نظر محرمیت در استفاده از مصالح بوم‌آورد (ایدری) در بسیاری از ابنیه سنتی و گاه مدرن شهری که نشان از مفهوم خودبسندگی در معماری ایرانی و پرهیز از اسراف جهان‌بینی اسلامی است.  
- در بازار همدان، مساجد و... فرم‌های هندسی ایرانی - اسلامی مشاهده می‌شود.  
- در بسیاری از ابنیه، اصول وحدت از جمله تناسب، تقارن و توازن دیده می‌شود.  
- در برخی از بناها همچون مسجد جامع از عنصر آب استفاده شده است که نماد پاکی در مکتب اسلام است.  
در ادامه به بررسی دو نمونه از بناهای شهر همدان که نمایانگر تجلی حکمت هنر اسلامی در معماری بومی این منطقه است می‌پردازیم:

## گنبد علویان<sup>۱</sup>

مقبره موسوم به گنبد علویان در شمال غربی شهر همدان و به فاصله اندکی از حاشیه جنوبی تپه باستانی هگمتانه، در سمت راست بلوار علویان و در بافت کهن شهر جای گرفته است (تصویر ۱).



تصویر ۱: نمای کلی گنبد علویان، دید جنوب شرق

در ضلع جنوبی داخل بنا محراب قرار گرفته است که از نمونه‌های ارزشمند محراب‌های گچی دوره اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. این محراب نیز با کتیبه‌های قرآنی و نقوش گیاهی و هندسی مانند دیگر قسمت‌های داخل بنا تزیین شده است. علاوه بر این‌ها، کتیبه‌های گچ‌بری و آجری با موضوعات قرآنی با خطوط ثلث، کوفی و نسخ در داخل بنا، طرفین درگاه ورودی و قسمت فوقانی اضلاع بیرونی بنا مشاهده می‌شود. در طبقه زیرین بنا، سرداب قرار گرفته است که راه ورود به آن از قسمت زیرین محراب است. بنا، به سبب برخورداری از نقوش آجرکاری و به‌ویژه گچ‌بری‌های زیبای دوره سلجوقی، از آثار ارزشمند به‌ای مانده از این دوره تاریخی - هنری به‌شمار می‌رود.



تصویر ۲: تزیینات گچ‌بری درگاه ورودی بنا

۱. گنبد علویان از آثار فرهنگی و ملی است که طی شماره ۹۴ در مورخه ۱۳۱۰/۱۰/۱۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

تزیینات گنبد علویان نشان از تجلی حکمت هنر اسلامی در این بنا است؛ همان‌گونه که انورالرفاعی در کتاب خود می‌نویسد: هنر اسلامی هنری دینی است، به این معنی که متأثر از روح اسلام بوده و در درجه اول خود را در جایگاه‌های دینی نمایانده است. در این باره می‌توان به بنای مسجدها، مدرسه‌ها، تکیه‌ها و تزییناتی که با آیات قرآن صورت می‌گرفت اشاره کرد (الرفاعی، ۱۳۹۲، ص ۶۶). همچنین وی در کتاب خود ذکر می‌کند که مسلمانان در تزیینات از دو عنصر اساسی استفاده می‌کردند: ۱- شکل‌های هندسی: آنان در این کار به مهارتی شگفت‌انگیز دست یافتند. ۲- شکل‌های گیاهی: مسلمانان در کشیدن این اشکال نیز تفنن به خرج دادند. این اشکال معمولاً به صورت مکرر کشیده می‌شود. مسلمانان انواع گوناگون خط عربی را نیز در تزیین هنری به کار گرفتند و در برگزیدن آیات و کلمات حکمت‌آمیز و اشعار در این باب تفنن نیز به خرج دادند (الرفاعی، ۱۳۹۲). بنای مذکور، که پوشش اصلی آن فروریخته است، در خارج و داخل تشکیل شده است از یک چهارضلعی با ابعاد داخلی ۸/۷۰ متر که با گوشه‌سازی‌هایی به فضای هشت‌ضلعی تبدیل شده است. اهمیت و شهرت این بنا بیشتر به علت وجود گچ‌بری‌های چندلایه و پرکار بر سطح نمای محراب است که مدخل سرداب در داخل آن محراب جای گرفته است. این ورودی به وسیله چهارده پلکان آجری ارتباط این بخش از مقبره را به سرداب برقرار می‌کند. ساختمان سرداب طرح صلیبی یا چهارصفه دارد که فضاهایی با طاق گهواره‌ای در چهار طرف آن به‌فرینه شکل گرفته‌اند (شبیبه به سرداب برج علاءالدین در ورامین). در میان سرداب صورت قبر برجسته بی‌نام‌ونشان قرار دارد که اطراف آن را با پوششی از کاشی‌های خشت فیروزه‌ای رنگ تزیین کرده‌اند (رکوعی، ۱۳۷۷).



تصویر ۳: نمای گنبد علویان (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۹)

### آرامگاه بوعلی سینا<sup>۱</sup>

آرامگاه بوعلی سینا، که به مناسبت هزارمین سال تولد شیخ به دست مهندس هوشنگ سیحون طراحی شده است، نگین معماری ایرانی و اسلامی معاصر است. آرامگاه بوعلی سینا در شهر همدان و در وسط میدان شهری قرار گرفته است. فضاهای اصلی آن شامل ایوان ده‌ستون، لابی، مقبره، موزه، برج و محوطه آرامگاه است (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۵). ساخت آرامگاه‌ها، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، از ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی است. پلان مربعی شکل مقبره شاید نمادی از خاکی و زمینی بودن انسان در برابر ماوراءالطبیعه باشد (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۵). در معماری ایرانی - اسلامی، بیشتر فضاهای آرامگاهی، علاوه بر مقبره‌بودن، کاربری اجتماعی نیز دارند و این کاربری فضاهایی مانند کتابخانه، موزه و فضاهای تفریحی - توریستی را با توجه به نیازهای جامعه برای عموم افراد ایجاد کرده است. از این روی، کاربردی بودن مجموعه باعث ماندگاری و جاودانگی بنا شده است (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۵).

۱. آرامگاه ابن سینا در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶ با شماره ثبت ۱۸۶۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شد.



معمار با استفاده از دوازده پره بتنی، علاوه بر نمایش دوازده دانش بوعلی سینا، سعی در ایجاد شفافیت مطابق با خواست فرهنگ زمانه داشته است. این بنا مطابق با اقلیم همدان بنا شده و در برابر وزش بادهای شدید مقاوم است و به نوعی زیبایی، مسائل فرهنگی و مسائل اقلیمی را به خوبی ترکیب و تلفیق کرده است (بانی مسعود، ۱۳۸۳؛ مؤمنی دهقی، ۱۳۹۵). در طرح محوطه بنا، که در دو سطح اجرا شده است، استفاده از اصول باغ ایرانی و محورهای حرکتی آب و وجود آب‌نماها و بهره‌گیری از مصالح بومی همچون سنگ خارا، سعی در عجزین کردن فضا با فرهنگ و ویژگی‌های معماری ایرانی داشته است. نکته شایان ذکر دیگر جاودانگی بناهای آرامگاهی است که هم به صورت ظاهری و فرمی است و هم محتوایی و معنایی که باعث غنای بنا نسبت به سایر بناها می‌شود و از آن يك سري رموز و استعاره می‌سازد که تجلی آن را می‌توان در طرح آرامگاه بوعلی به وضوح مشاهده کرد.

در طرح آرامگاه بوعلی این موارد به چشم می‌خورد: ۱- مربع پایه و اساس فضاهای بنا، ۲- ایوان ده ستونه نماد هزارمین سال تولد بوعلی که هر ستون نماینده يك قرن و جمعاً هزار سال است، ۳- قرارگیری برج و ایوان در نما در يك مربع که نماینده انسان در راه کمال و همان بوعلی سینا است (انسان ایستاده با دست‌های گشاده)، ۴- استفاده بیش از پانصد مربع در طرح و اجزای بنا و...، که همه این موارد برای غنی کردن و بارز نمودن بنای آرامگاهی نسبت به سایر بناها است و ریشه در فرهنگ و مقدس بودن این گونه بناها در فرهنگ بومی ما ایرانیان دارد (بانی مسعود، ۱۳۸۳؛ مؤمنی دهقی، ۱۳۹۵).



شکل ۴: دید هوایی

شکل ۳: مقبره زیر برج آرامگاه

شکل ۲: دید عمومی

شکل ۱: قسمتی از موزه

تصویر ۴: آرامگاه بوعلی سینا (سیمای میراث فرهنگی استان همدان)

## نتیجه‌گیری

راز جاودانگی آثار هنری ایرانیان را می‌توان حاصل باورها و اعتقادات و فرهنگی دانست که نتیجه آن تجلی وحدت در ساحت کثرت و رهایی از تشویش‌های دنیوی در معنای کلی آن است و دستاورد آن رسیدن به نگاه توحیدی است که انسان قادر به شناخت هستی و وجود خود و خالقش می‌شود و سعادت و کمال فکری و روحی انسان را به دنبال دارد.

در معماری سنتی ایران بناها با توجه به هویت و فرهنگ ایرانی و قومی شکل گرفته‌اند و هیچ‌گاه ترکیب و معماری بنا برخلاف باورهای فرهنگی، قومی و دینی مردم آن ناحیه نبوده است. اصولی همانند اصل وحدت، اصل سلسله‌مراتب، اصل نظم، اصل تقارن، اصل مقیاس و تناسب، اصل تباین فضایی و تضاد، و اصل محرمیت به بهترین وجه با استفاده از ابزارهای معمارانه همانند ماده و مصالح، شکل، رنگ، نور، و آب در کالبد بناهای سنتی به چشم می‌خورد که در بطن خود نشان از اصول هستی دارند. حتی تزیینات به‌کاررفته نیز که از ارکان فرعی معماری به‌شمار می‌آیند از این قاعده مستثنا نیست. در این بناها، ضمن حفظ هویت‌های فرهنگی در ساخت‌وساز، همواره پنج اصل مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، درون‌گرایی، نیارش (تزیینات بنا) و استفاده از مصالح بومی رعایت شده است. پاره‌ای از این آثار در گوشه و کنار کشور پهناور ایران حکایت از معماری باشکوه ادوار هزارساله را در قامت‌های استوار بناها دارند.

به اعتقاد نگارندگان، تجلی هنر اسلامی به زیبایی در عناصری چون تزیینات گچ‌بری، اشکال هندسی خاص، طرح‌واره‌های گیاهی، استفاده از خطوط عربی، کاشی فیروزه‌ای در گنبد علویان به صورت نمایان‌تر و استفاده از بیش از پانصد مربع - شکل مقدس در فرهنگ ایرانی اسلامی - در پلان و طرح، استفاده از آب‌نما و حرکت آب و کارکردهای فرهنگی بنا در آرامگاه ابن سینا با نیم‌نگاهی به فلسفه و حکمت بوعلی نگاه مخاطبان را می‌نوازد.

در نهایت می‌توان ادعا کرد که اصول یادشده، به‌ویژه پنج اصل مدنظر نگارندگان، به صورت شکلی و محتوایی، در دو بنای مطالعه‌شده در کهن‌شهر همدان، گنبد علویان و آرامگاه ابن سینا، به‌عنوان نمونه‌هایی از نشانه‌های حکمت هنر اسلامی گنجانده شده است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به زوایای دیگری از این ناگفته‌ها پرداخته شود.

## منابع

آلپاگونولو، آدریانو و همکاران (۱۳۸۴). معماری بومی. علیمحمد سادات افسری (مترجم). نشر فضا. چاپ دوم.  
ابراهیمی، پروین (۱۳۸۲). سیمای میراث فرهنگی استان همدان. سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.  
الرفاعی، انور (۱۳۹۲). تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی. عبدالرحیم قنوت (مترجم). جهاد دانشگاهی.  
باحقیقت منگودهی، حمیدرضا، پرویزی، رضا، کریمی آذری، امیررضا و نمازی جوکندان، سپیده (۱۳۹۴). بررسی میزان تأثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت، نمونه موردی: محله ساغری سازان. مدیریت شهری، ۴(۴۰)، ۲۶۹-۲۸۴.

بانی مسعود، امیر (۱۳۸۳). بناهای یادمانی هوشنگ سیحون، مجله معمار، ۲۸، ۱۴۶-۱۵۲.  
حاجی‌قاسمی، کامبیز (۱۳۸۹). گنجنامه، کتاب سیزدهم (مقابر و امامزاده‌ها). مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.  
دهشیدی، رضا (۱۳۸۹). حجره حجره همه یاد خدا. فصلنامه فرهنگ پویا، ۱۹، ۱۰۷.  
رکوعی، عزت‌الله (۱۳۷۷). سرزمین ما (مروری بر تاریخ و معماری ایران). نشر کیوان.  
شریعی، علی (۱۳۹۲). بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی. تهران: انتشارات الهام، چاپ دهم.  
شفیعی ناطق، رسول (۱۳۹۱). بازآفرینی اصول و مفاهیم معماری ایرانی اسلامی در راستای رفع بحران هویت در معماری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

عرفانیزاده، زهرا، رضیان، محمد و عرفانی‌زاده، معصومه (۱۳۹۲). معماری بومی پاسخگویی نیاز امروز معماری. همایش ملی معماری، با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. مشهد. <https://civilica.com/doc/239435>  
قهرمانی، ندا (۱۳۹۶). حکمت هنر اسلامی و تجلی آن در معماری بومی ایران؛ مطالعه موردی: معماری بومی کرمانشاه. سومین کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری و اولین کنفرانس هنر، معماری و مدیریت شهری، تهران.  
مؤمنی دهقی، کورش (۱۳۹۵). بررسی رابطه فرهنگ با معماری و تاثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان. معماری سبز، ۳، ۱-۹.  
نصر، سیدحسین (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. رحیم قاسمیان (مترجم). انتشارات سوره.  
نصر، طاهره (۱۳۸۶). از هنر و هنر اسلامی. انتشارات نوید شیراز.

Nahchiri, A. (1992). Geography of Historical City. Tehran: Madreseh Press. [In Persian]

## **Analyzing the Signs of Wisdom of Islamic Art in Native Architecture of Hamadan**

### **Case of Study: Ibn Sina's tomb and Alawite dome**

**Samira Afraz<sup>1</sup>, Masoud Asadbeigi<sup>2</sup>**

#### **Abstract**

One of the primary and valuable elements in the transmission of indigenous culture is undoubtedly the architecture of each region which play a fundamental role. In today's modern world, with the advent of technology and its development, many of these values and Iranian-Islamic cultural patterns in the native architecture of Iran have been forgotten. The present article attempts to study the signs and works of Islamic art wisdom in the native architecture of Iran in two permanent buildings in the city of Hamedan; the Alawite dome and the tomb of Ibn Sina. To achieve this goal, this article deals with the signs of the wisdom of Islamic art and its manifestation in the native architecture of these two buildings in a descriptive-analytical form. This manifestation can be sought in elements such as form, texture, color, materials, and decorative motifs. The study's findings indicate the existence of the mentioned signs in both buildings. Still, the Alawite dome shows this relationship better due to its sub-characteristics and how it originated and evolved. Finally, what is noteworthy is that the secret to originality and value of traditional Iranian architecture has been paying attention to indigenous architecture, Islamic culture, and art.

**Keywords:** Wisdom of Islamic Art, Iranian Architecture, Indigenous Architecture, Alawite dome, Tomb of Bu Ali Sina

---

1. Ph.D. student in Philosophy of Art, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Non-faculty member of Farhangian University, Hamadan, Iran